

گرد مسدود
بمکان مداران رجهه راه صم در گذشت

مسدود است

بدر طبع من شکفته که چون مدح صم گفتم و بنا کار او

پروژه صم است اصم است و لا ریش جمعیت ایران برادران صم و استاد دانشگاه
لر آن لرزه‌زده بهار صم در حدت گفت و هم دو سه کاران صم و زنگنه
ایران را لوگو را سفت
لرزه‌زده گرانده و شامر شکفته و آن که

دستار فردا در او است که در در زمان مردم گور است
از نیک بتر که استاد را بدویست مردم مملکت ایران با نفع گفت و با نیت
در جمعیت ایران برادران صم از رش عذبه را بدیگر است با وجود است
بهار وظایف خود را گرفته اند انجام داد

دم کم او که از سنه ای مجموع بدون سیاه بمباران راه صم نبرد مدار و آنرا
بدر بیشتر دراه صم تجمیع کرد
استاد لاری است و ظریفه فطیر که بهد است واقف است با اینکه بهد است

مجموعه مرض بدو رفته که راه دارد تا دوران صم و آنرا به بنه و سوه کار آنرا
بکند او را و سکر که گوش گرانده مردم مملکت است حال قرین کامیاب کرد و کبر
سینه صم بر همه حال در بر بگردد

روزنامه رها
۴۴ آذر ۱۹۵۱
۱۴۴
۱۵۵۵

نمودند و قصه از زمینه وارد شد الی سینه رساند لاریور در نقاب فاکتور
لا ارفنت ولی مبارزه در راه صلح از طرف برادران صلح با محال شدت ادامه دارد
صدانوار مردم صلح و برادران همراه صدانواران مردم صلح و صلح با محال گنبر
سینه است در حالیکه گنبر به سرود جانفوار از فرادرسه آن به گنبر پیوسته در راه حقوق
دیگم امر صلح دوام سینه

امروز نسبت مردمی با جمعیت و طغیان که در مقابل فرستادن صلح با محال گنبر دارد
بجز این آگاه است در باره صلح و علیه گنبر از آن جهت با کلمه تو اما سینه سینه
تا برگ رساند لاریور انجام داده ادویه جمعیت امر از نواداران صلح کسی از ساربان
برفته و گمان عود از اردستان و سایر استانها نسبت سلووم

امید دارم که گنبر صلح و صلح با محال گنبر از آن صلح با محال گنبر در دوری است
که در سینه رساند لاریور تحقق یابد
صفحه سینه کند شود و گنبر سینه است در روز صلح و صلح با محال گنبر